

متن پرسش

باسمه تعالی: سلام: با نسلی که کمیت‌گرا است و اصالت را به دنیا و ثروت‌های دنیایی می‌دهد با چه زبانی صحبت کنیم؟ با مردمی که از جهتی تا آخر با انقلاب هستند و این در تظاهرات ۲۲ بهمن ملاحظه شد، ولی از زاویه‌هایی دیگر مقام معظم رهبری را درست درک نمی‌کنند، چگونه سخن بگوییم. هنوز ما بر روی قصه اقتصاد مقاومتی بحث نکرده‌ایم، روی فرهنگ هنوز بحث نکرده‌ایم. ما چطور می‌توانیم در بحث سلوک ذیل شخصیت امام و با نگاه به حضرت امام به عنوان مبادی تفکر این عصر با آن‌ها صحبت کنیم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: زبان عبوردادن نسلی را که کمیت‌گراست ما در دفاع مقدس آموختیم، ما در دفاع مقدس متوجه شدیم استعدادی داریم که مکر لیل و نهار دنیایی مدرن نمی‌گذارد آن را ببینیم. ولی چون شرایط بروز آن استعداد در دفاع مقدس پیش آمد، آن را دیدیم و استفاده کردیم و با نگاه به آینده دفاع مقدس بنده به راحتی می‌توانم بگویم ما در تاریخی قرار داریم که بالاتر از منافع مادی با مردم می‌توان سخن گفت و جواب مناسب شنید. مردمی که حاضرند با نگاه به حضرت امام «رضوان‌الله تعالی‌علیه» و اشاراتی که آن مرد بزرگ داشت، جانشان را بدهند معلوم است که آماده‌ی شنیدن چیزهایی هستند که ماوراء منافع مادی آن‌ها است. ما با این انقلاب این را تجربه کرده‌ایم و به خوبی هم جواب داد. فراموش نفرمائید که مردم در حال حاضر در گرفتاری دوره‌ی فترت هستند، یعنی نه از عهد گذشته‌ی خود که آلوده به غرب‌زدگی است درست بریده‌اند، و نه بر عهد خود با خداوند که حضرت امام متذکر آن عهد است درست وارد شده‌اند. انسان‌ها یک وجه میمینی دارند و یک وجه مَشَّمَمی، که بشر غرب‌زده در تقلای غلبه‌دادن وجه مَشَّمَمی خود است. خوبی این دوره آن است که وجه میمینی بشر امروز هم قابل دیدن شده و می‌توانید آن وجه را مورد خطاب قرار بدهید. با نظر به حضرت امام خمینی «رضوان‌الله تعالی‌علیه» می‌توانیم متذکر وجه میمینی انسان‌ها باشیم و از این طریق معنای زندگی در فضای اقتصاد مقاومتی را به او متذکر شویم و جواب بگیریم. بنده به شما عرض کنم چه بخواهید و چه نخواهید بحمدالله در این تحریم‌ها وارد به استخوان‌تان می‌رسد و در متن این تحریم‌ها یک نحوه حیاتی که دوست و دشمن پیش‌بینی نمی‌کردند ظهور می‌کند، همان نوع حیاتی که در رابطه با مقابله با دشمن در دفاع مقدس ظهور کرد و امثال دکتر چمران‌ها از همان ابتدا فهمیدند که این انقلاب استعداد آن را دارد که در مقابله با دشمن به آنچنان حیاتی برسد که شما در دفاع مقدس

ملاحظه کردید و لذا نه تنها عقب نشستند بلکه با امیدواری تمام جهت تولد حیاتی که با دفاع مقدس ظهور کرد کار را جلو بردند. بنی صدر هرگز فکر نمی‌کرد این انقلاب چنین استعدادهایی را دارد.

در کتاب سلوک سعی شده متذکر استعدادهایی شویم که با ظهور امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» در این تاریخ نهفته است و در همین رابطه است که ملاحظه می‌کنید هر اندازه دنیا با تحریم‌های اقتصادی می‌خواهد کمیت‌ها را برای ما برجسته کند شما گوشتان بدهکار آن‌ها نیست. زیرا مردم ما چیز دیگری را می‌بینند که دشمن از دیدن آن ناتوان است. مردم ما با حضورشان در این تاریخ متوجه افقی هستند که دیگر کمیت‌گرایی در آن جایی ندارد و کمیت مغلوب معنویت می‌شود. مجله‌ی «سوره‌ی اندیشه» در شماره‌ی ۷۸ و ۷۹ بحث «کار» و جایگاه آن را در فرهنگ‌های مختلف به میان آورده که آیا کار، عملی است که سود و ثروت به ما می‌دهد یا زندگی و هویت؟ مجله را با جمله‌ی شهید آوینی شروع کرده که می‌گوید: «وقتی پول تنها انگیزه‌ای باشد که انسان را به «کار» وا می‌دارد، دیگر کار معنای حقیقی خویش را از دست می‌دهد و به شرّ واجبی تبدیل می‌شود که باید بیش‌تر و سریع‌تر از آن خلاصی یافت». یعنی یکی از چیزهایی که شما اتفاقاً باید از آن عبور کنید کاری است که عین به‌دست‌آوردن ثروت است. بنا نیست کار تنها برای به‌دست‌آوردن ثروت باشد. کار در سنت بشر به خودی خود فرهنگ و ادب و سلوک خاصی دارد که مدرنیته آن را به حاشیه برده و ملاحظه می‌کنید که با انقلاب اسلامی دارد آن ادب و فرهنگ به تاریخ ما برمی‌گردد. نمونه‌اش همین عزیزانی که در حال فعالیت‌های فرهنگی در ذیل انقلاب هستند. اگر توانستیم این را درست نشان دهیم ملاحظه خواهید کرد چگونه این ثروت و زندگی مطابق دنیای مدرن از چشم مردم ما می‌افتد. از خود پرسیده‌اید این مردمی که این‌گونه برای امام حسین (ع) کار می‌کنند به دنبال ثروت‌اند یا به دنبال هویت؟ مدرنیته فضایی ایجاد کرده که به قول آقای میرشکاک: «همگان کار می‌کنند تا نان بخورند و هزینه‌های زندگی مدرن را تأمین کنند و زندگی مدرن روز به روز نیازهای تازه‌تری پدید می‌آورد».^[۱] زیرا از کار خود به دنبال هویتی که روح‌شان را راضی کند نیستند. لذا کار آن‌ها بی‌کاری است مثل فوتبالیست‌ها که ثروت هنگفتی از طریق فوتبال به‌دست می‌آورند ولی کار آن‌ها عین بی‌کاری است و به همین جهت همه‌ی کارهایشان بی‌سرانجام است و انقلاب اسلامی متذکر این اشکال است و بشر امروز آماده شنیدن و نیوشیدن چنین تذکری است که چگونه به هویت از دست‌رفته‌ی خود برگردد و دیگر یک شیئی نباشد که یا باید مصرف کند و یا مصرف شود. انقلاب اسلامی از این طریق راه عبور از غلبه‌ی کمیت است و روحانیت اصیل در انقلاب اسلامی جریانی است که کارش برایش ثروت نمی‌آورد. شغلش برایش یک کار است بدون این که هویتش را در ثروتمندی جستجو کند. شما اگر متذکر همین امر بشوید که «کار افراد در فضای فرهنگ مدرنیته برای تولید نیست بلکه برای مصرف است و وقتی کار برای مصرف شد و انسان‌ها خواستند هویت خود را از طریق مصرف کسب کنند کار و زندگی از هم جدا می‌شود و زندگی، دیگر کار نیست بلکه مصرف است و کار در خدمت مصرف قرار می‌گیرد و نه برای زندگی و نه برای هویت بخشیدن به خود.» به راحتی می‌توان مردم را متوجه اشکالات کمیت‌گرایی کرد و دلایلی و

واسطه‌گري را از چشم مردم انداخت و اين تولد جديدي خواهد شد در راستاي بازگشت به هويت از دست‌رفته که در آن که شرف بر ثروت مقدم مي‌شود و مردم ريشه‌ي خود را در کار و اقتصاد مقاومتي جستجو مي‌کنند و مي‌فهمند اصولاً کار، از بنيادي‌ترين منابعي است که هرکس براي تغذيه روح خود به آن نياز دارد و شما اين سؤال را به عنوان یک آسيب اجتماعي مطرح مي‌کنيد که چرا پول‌درآوردن از خودِ کار مهم‌تر شده است؟

موفق باشيد

[۱] - مجله سوره اندیشه شماره ۸۰-۸۱